

## چکیده

انسان، مستعداً اتصاف به همهی کمالات است اما وصول به آنها در گرو تربیت صحیح میباشد و برای رسیدن به هدف والای قرب الیالله باید بهترین شیوهها را انتخاب نمود. به یقین برترین روشها تنها در کلام و سیرهی انسانهای کامل هر عصر و زمان جست و جو میشود و چنین انسانهایی برای همهی عصرها و زمانها جز معصومین: کسی نیست. این مقال در پی آشنایی با اهداف تربیتی امام سجاد براساس صحیفهی سجادیه، دعای ابوحمزه ثمالی و سیرهی رفتاری آن حضرت است.

## متن

### مقدمه

هدف از تربیت؛ عبادت حق و در نتیجه شناخت خداوند متعال است. تربیت خلق فلسفهی بعثت رسولان و مهمترین وظیفه اولیای الهی است. اهداف تربیتی دوران رهبری امام سجاد در سه محور خلاصه میشود:

1. هدایت به حق و تمیز حق از باطل؛ روشهای امام برای اجرای این مقصد متفاوت است. یک روز با خطابهی علی گونه، روز دیگر با تعلیم دعا و موعظه، گاهی با پرورش اصحاب و یاران و همچنین با گریه بر امام حسین و شهدای کربلا.
2. اصلاح جامعه اسلامی و رسیدن به حیات طیبه؛ همان گونه که امام حسین بر این هدف تأکید میفرماید، امام سجاد نیز آن را از خداوند طلب میکند. امام پاکیزگی زندگی خویش و اصلاح امت را در گرو عمل به اوامر و نواهی خداوند میداند و آن را از پروردگار طلب مینماید: فَأَحْيِنِي حَيَوَةَ طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أَرِيدُ، وَ تَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ وَلِأَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتُ عَنْهُ؛ پس مرا زنده بدار به زندگی پاکیزهای که به آنچه میخوام پیوسته شود در صورتی که آنچه را نمیپسندی بهجا نیاورم و آنچه را نهی کردهای مرتکب نشوم.
3. توحید محوری؛ این هدف مشترک همهی انبیاء، اولیا و مربیان الهی است و امام سجاد به تربیت بر مدار توحید تأکید میفرماید و از همین رو بر مفاهیمی مثل عبودیت، معرفت خدا، ایمان و تقوا تکیه میکند. مقصود از روشهای تربیتی شیوههایی است که برای رساندن متربی به اهداف مورد نظر استفاده میشود. این اصول تربیتی برگرفته از مبانی عقلانی یا وحیانی است. به عنوان مثال در نظام تربیتی اسلام از آیه شریفه: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ، کرامت ذاتی انسان و حفظ عزت نفس متربی را اخذ میکنیم و برای اجرای این اصل تربیتی که حفظ و تقویت عزت نفس احساس شخصیت متربی را نتیجه میدهد، از روشهایی مثل تغافل و عفو و محبت نیز استفاده میشود. مربی با به کارگیری این شیوهها بر مخاطب تأثیر میگذارد و باعث تحریص، ترغیب و تحریک او به رفتارهای خوب و دوری از کردارهای ناپسند میشود. کلام و سیرهی امام چهارم را در این روش یادآور میشویم.

1. روش اعطای بینش بینش نوعی درک درونی است که انسان را با واقعیت مورد نظر پیوند میدهد. ایجاد بصیرت و بینش صحیح نسبت به انسان و جهان از اهداف مهم انبیا است. بینش انسان دربارهی اعمال و رفتار هنگامی کامل میشود که از خویش و جهان اطرافش آگاهی داشته باشد، در این صورت است که این روش، مبتنی بر اصل تحول باطن میشود. امام سجاد این روش را در دو بخش تفکیک فرموده است:

الف. اعطای بینش در مورد دنیا؛ از دیدگاه قرآن دنیا جایگاه امتحان و مسیر رفتن به سوی خداوند است. عالم طبیعت دار بلا و امل و آرزو است که متاع آن باعث فریب و غرور انسان میشود: ... فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ در

ادعیهی امام زین العابدین دنیا وسیلهای برای نیل به مقصد و تنها گذرگاه برای سفر به جهان آخرت میباشد: ... وَارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِاخِرَتِي ... حَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَيَّ الزَّهْدُ فِي دُنْيَايَ؛ خداوند! برای آخرتم رغبت در عمل برای خودت را روزیام قرار ده... تا این که بیرغبتی نسبت به دنیا بر من غالب باشد. در دعای ابوحمزه نیز بینش صحیح نسبت به دنیا مورد توجه است. از آنجا که دنیا دوستی منشأ همهی گناهان میباشد، امام از خداوند کمک میخواهد و میفرماید: سَيِّدِي أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي؛ مولای من قلبم را از دوستی دنیا خالی کن. این روش تربیتی، الگویی برای نیل به کمال است که براساس آن انسان دلبستهی به دنیا نخواهد بود، بلکه آن را وسیلهای برای پرورش روح و راهیابی به دایرهی رضایت خداوند و مقام خلیفه اللهی میداند. در فرازی دیگر، از خداوند کفایت امور دنی را طلب میکند: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَاكْفِنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ...

ب. اعطای بینش در مورد انسان؛ در ادعیهی امام انسان دارای حالات و جلوههای تربیتی متفاوت است. او باید استعدادها و محدودیتهایش را بشناسد تا از آنها در مسیر کمال استفاده کند. از نظر امام انسان دارای قابلیتایی است که با بینش صحیح نسبت به خویش میتواند زمینههای رفتار پسندیده را فراهم سازد، بر این اساس تصحیح بینش انسان دربارهی خود یک روش تربیتی به حساب میآید. همچنان که در قرآن، انسان فقیر و خداوند غنی حمید است، امام نیز به ضعف انسان اشاره کرده و میفرماید: يَا غَنَى الْأَغْنِيَاءِ هَا نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فاجْبُرْ فَاقْتِنَا بِوُسْعِكَ... در دعای ابوحمزه خود را نیازمند حمایت خداوند میدانند و حفظ خویش را در سایهی حمایت پروردگار طلب میکند: اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بَحْرَاسَتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحَفْظِكَ.

ج. پرهیز از غفلت؛ امام سجاد اعطای بینش مربیان به متریان را در رفتار نیز آموزش میدهد. زُهری میگوید: شبی سرد امام را در حالیکه مقداری آرد و هیزم حمل میکرد، دیدم. پرسیدم: چه چیز با خود دارید؟ فرمود: آهنگ سفری دارم و زاد و توشه برگرفتم. گفتیم: غلام من حاضر است و به جای شما حمل میکند. فرمود: خیر خودم حمل میکنم و نفس خود را از چیزی که مرا در این سفر نجات میدهد باز نمیدارم. چند روز بعد امام را دیدم و عرض کردم: چنین سفری که فرمودید نمیبینم، فرمود: مقصودم سفر آخرت مرگ بود. آری امام با این رفتار، بینش صحیح دربارهی مرگ و زندگی را به زهری متربی منتقل فرمود.

2. روش عفو بخشش عبارت است از: تغییر ارادی و آگاهانهی قلبی و نتیجهی موفقیت آمیز کوشش فعال برای جایگزینی اندیشههای خوب به جای افکار بد و احساس هم دردی با خاطی و گذشت از اشتباه او که با انگیزی آرامش روانی و پرورش او یا جلب رضایت خداوند صورت میگیرد. از جمله مکارم اخلاق؛ گذشت از تقصیر دیگران است که در قرآن به آن امر شده است: خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ... عفو در صورتی ارزشمند است که انسان قدرت انتقام داشته باشد، در غیر این صورت سکوت انسان از مصادیق عفو نیست، بلکه از مصادیق کظم غیظ است و کظم غیظ و سکوت اگر از روی ناچاری باشد، منجر به حقد و کینه و باعث سوء ظن، حسد، غیبت و تهمت میشود. خداوند اولین مربی است که با بخشش اولین متریان خویش یعنی آدم و حوا، "عَفُو" نامیده شد. از اینرو عَفُو و گذشت در تربیت، قدمتی همسان با خلقت انسان دارد. حضرت زینالعابدین در دعای شانزدهم صحیفهی سجادیه خداوند را با وصف "عَفُو" میخواند و در دعای التجاء تربیت نفس انسانی را تنها در گرو گذشت خداوند از گناهان فرد میداند. امام میآموزد که متربی باید متواضعانه در برابر مربی خطابش را بپذیرد: اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تَعَفُّ عَنَّا فَبِفَضْلِكَ، وَ إِنْ تَشَأْ تُعَذِّبْنَا فَبِعَذَابِكَ، يَا غَنَى الْأَغْنِيَاءِ، هَانَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقْتِنَا بِوُسْعِكَ وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ؛ بارالها، اگر بخواهی ما را عفو کنی این از فضل و بخشش توست، و اگر بخواهی ما را کیفر نمایی براساس عدالت است، ای کسی که از همهی اغنیا بیناتر، هم اکنون ما بندگان در پیشگاه تو حاضریم، و من محتاجتر از همه نیازمندان نسبت به [عفو] هستم، بنابراین ناداری ما را با وسعت خود جبران فرما و امید ما را با دریغ نمودنت قطع مگردان. در این فراز امام در مقام هدایت میآموزد که متربی باید نادم باشد و نباید خطا را تکرار نماید و باز هم انتظار بخشش داشته باشد، بلکه مربی میتواند متربی را عفو کند یا اگر به تربیت او مضر باشد گذشت نکند. در دعای ابوحمزه نیز امام ضمن آموزش طلب عفو متربی از مربی با ذکر صفت رحمت الهی به بندگان خطاکار امیدواری میدهد تا در راه تربیت مأیوس نشوند و به حرکت خویش ادامه دهند: أَنْتَ يَا إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ جَلْمًا مِنْ أَنْ تُقَاسِنِي بِفَعْلِي وَخَطِيئَتِي، فَالْعَفُو فَالْعَفُو فَالْعَفُو؛ ای خدایی که فضل بیپایان و بردباری عظیم تو برتر از آن است که مرا با گناهان مقایسه نمایی، از من درگذر. در سیرهی سید الساجدین نیز بر روش عفو تأکید میشود

و امام آن را در برابر نزدیکان، غلامان، شیعیان و مخالفان به کار میگیرد. عمادالدین طبری نقل میکند: روزی مردی از بستگان [حسنین حسن] نزد امام آمد و به ایشان دشنام داد. امام در پاسخ او خاموش ماند. چون حسن از نزد حضرت بازگشت، امام به کسانی که نزد او نشسته بودند فرمود: شنیدید این مرد چه گفت؟ میخواهم با من بیایید و پاسخی را که به او میدهم بشنوید. امام نعلین خود را پوشید و به راه افتاد و فرمود: ... وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُجِبُّ الْمُحْسِنِينَ چون به خانه‌ی حسن رسیدند، امام فرمود: بگویند سجاد است. حسن بیرون آمد. او میپنداشت امام زینالعابدین برای تلافی نزد او آمده است. علیبن الحسین فرمود: "یا اُخی، إِنْ كُنْتَ قُلْتَ مَا فِیْ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ، وَإِنْ كُنْتَ قُلْتَ مَا لَیْسَ فِیْ فَغْفَرَ اللَّهُ لَكَ؛ حسن به پای امام افتاد و بوسه زد و گفت: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ بَلْ قُلْتُ فِیْكَ مَا لَیْسَ فِیْكَ وَأَنَا أَحَقُّ بِهِ". در این ماجرا امام با سکوت خود و رفتن به خانه‌ی حسن روش رفتاری عفو را به متربی خطاکار و دیگران آموزش داد؛ چرا که عفو و گذشت، علاوه بر فواید و آثار فراوان اخلاقی که در آیات و احادیث ذکر شده است، و خداوند خود را به این وصف توصیف فرموده است، در عمل به عنوان عامل مهمی در تعدیل روابط بین افراد و برقراری آرامش روانی نتیجه بخش میباشد. بخشش، علاوه بر ترسیم روابط بین افراد و کاهش تنشهای اجتماعی، در تأمین سلامت روانی، کاهش اضطراب و افسردگی، عصبانیت و پرخاشگری، اختلالات عاطفی و رفتاری، افزایش اعتماد به نفس، و پیشرفت تحصیلی فرزندان بسیار مؤثر و کارآمد است. در شمارهی دیگر به روشهای: یادآوری نعمت، تغافل، محبت، رفق و مدارا و ... خواهیم پرداخت. ادامه دارد...

پینوشت:

1. صحیفهی سجادیه، دعای 4. 2. واحد مطالعات و تحقیقات سازمان اوقاف و امور خیریه، ترجمه صحیفه سجادیه، دعای 4. 3. الاسراء 1 : 0. 4. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص 4. 5. التوبه 9 : 38. 6. صحیفهی سجادیه، دعای 22. 7. دعای ابوحمزه ثمالی، ص 350. 8. دعای ابوحمزه ثمالی، ص 343. 9. همان، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص 81. 10. فاطر 35 : 15. 11. صحیفهی سجادیه، دعای 10. 12. دعای ابوحمزه ثمالی، ص 344. 13. محمدتقی سپهر، ناسخ التواریخ، ج 1، ص 91. 14. الأعراف : 199. 15. محمدرضا مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص 599. 16. صحیفهی سجادیه، دعای 16. 17. دعای ابوحمزه ثمالی ص 342. 18. آل عمران 3 : 134. 19. عمادالدین طبری، مناقب الطاهرین، ترجمهی حسین درگاهی، ج 2، ص 623.